

قربانیان خشم و ناموس

Photo: vampy1/depositphotos.com

فهیہ خضر حیدری

واژه زن‌کشی یا femicide سال‌هاست وارد ادبیات سازمان ملل و فعالان حقوق زنان و حقوق بشر شده است. همه موارد زن‌کشی الزاما با قتل‌های ناموسی یکی نیستند؛ اگرچه محور این قتل‌ها جنسیت است اما آنچه قتل‌های موسوم به ناموسی را از سایر انواع زن‌کشی متمایز می‌کند، هسته مرکزی تفکری است که زن را ناموس مرد و مرد را موجودی غیرتمند به حساب می‌آورد.

ماده ۳۶۰ قانون مجازات اسلامی به مرد اجازه می‌دهد در صورت مشاهده همسر خود در حال «زنا» با مردی دیگر او را بکشد و مطمئن باشد که قصاص هم نمی‌شود. به این ترتیب مرد مجوز خشونت خانگی و قتل همسر خود را می‌گیرد و مجازات هم نمی‌شود.

[اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.](#)

البته اگر تراژدی همسرکشی برعکس باشد، مجازات قصاص قطعی است. بر این اساس اگر زنی شوهر خود را بکشد، قطعاً قصاص خواهد شد.

زن بر اساس این قوانین در صورت خیانت یا آنچه در عرف اسلامی «زنا» خوانده می‌شود، مهدورالدم است.

با این حال حتا چنین قانون نابرابر و ای بسا زن‌ستیزی هم که رسماً مجوز اعمال خشونت خانگی را به مرد می‌دهد، همچنان مرد را مرجع صالح تشخیص مهدورالدم بودن زن قرار نداده است. بسیاری از وکلای پرونده‌های جنایی خانوادگی بر این نکته تاکید می‌کنند که مرجع تشخیص مهدورالدم بودن زن در این موارد قاضی دادگاه است نه مرد!

قتل ناموسی در ایران

با این همه قتل‌های موسوم به ناموسی در ایران بخش قابل توجهی از پرونده‌های جنایی را تشکیل می‌دهند. استان‌های خوزستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، سیستان و بلوچستان، فارس، آذربایجان شرقی و اردبیل به ترتیب **بیشترین قتل‌های ناموسی** را به نام خود ثبت کرده‌اند و هیچ یک از موارد قتل‌های موسوم به ناموسی بی‌ارتباط با تسلط فرهنگ و قواعد مردسالارانه، ساختارهای ناکارآمد مذهبی و اخلاقی و محدودیت حضور زنان در جامعه نبوده‌اند.

در بسیاری از موارد، جنایت ناموسی تنها به دلیل خودداری زن از تن دادن به ازدواجی اجباری صورت گرفته.

قتل ناموسی اما از جمله مواردی است که نه فقط شوهران که پدران، برادران، پدرزیرگ‌ها و گاه حتا پسرعموها به آن اقدام می‌کنند.

در برخی بافت‌های فرهنگی و جغرافیایی ایران، عناصر ذکور خانواده ممکن است دست به قتل زنی از اعضای خانواده بزنند که قربانی تجاوز جنسی شده؛ چون تلقی رایج این است که قربانی تجاوز «ناموس» خانواده را بر باد داده است.

در همین فضا، گاه پرونده قتل ناموسی تنها به دلیل تقاضای طلاق یک زن از شوهر معتاد و بیکار و خشن باز شده است. در این شرایط حتا ممکن است پدر یا برادران زن، برای جلوگیری از طلاق و «حفظ آبروی خود» او را به قتل برسانند.

آمار صندوق جمعیت سازمان ملل متحد نشان می‌دهد قتل‌های موسوم به ناموسی اغلب در جوامع تندروی مذهبی و عمدتاً اسلامی به ثبت رسیده‌اند؛ از غرب و جنوب آسیا گرفته تا شمال آفریقا.

قاتل ۳/۲ زنانی که در سراسر جهان به دلایل «ناموسی» **کشته شده‌اند**، مردی بوده که در یک خانه و خانواده با آنها زندگی می‌کرده: پدر، برادر، همسر....

اینجاست که فعالان حقوق بشر برای هر چه کم و کم‌رنگ‌تر شدن نقش هر گونه مذهبی در تدوین و تنظیم قوانین کشورها می‌کوشند. ای بسا قوانین دین‌زدایی شده، حقوق برابری برای زنان و مردان در کانون خانواده فراهم کنند و خانه به جای امن‌تری بدل شود، چیزی که تجربه کشورهای توسعه‌یافته هم آن را به اثبات رسانده است.

خشم عمومی، از خانه تا خیابان و از خیابان تا خانه

چندان روشن نیست خشم و عصبانیت و درگیری‌های ناشی از آن از خانه‌هاست که به خیابان‌ها می‌رود یا برعکس، از خیابان‌های شهر است که تا خانه‌های شهروندان امتداد پیدا می‌کند. هرچه هست به **گفته** عضو هیئت ریسه کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، تنها در شهر تهران هر روز ۳۲۲ نزاع خیابانی رخ می‌دهد. از سوی دیگر **گزارش** سالانه سازمان ملل متحد در رتبه‌بندی کشورها از نظر میزان شادمانی شهروندان، ایران را از میان ۶۵۱ کشور در جایگاه ۶۰۱ قرار می‌دهد.

از قتل در صف چای نذری بر سر این که چه کسی اول چای بگیرد گرفته تا قتل طلب‌کار و بدهکار، صفحات حوادث روزنامه‌های ایران پر است از ماجرای شهروندانی که از مدیریت خشم خود ناتوانند.

تنها در ۹ ماه اول سال ۷۹۳۱ نزدیک به ۰۰۵ هزار **پرونده نزاع** به پزشکی قانونی ارجاع داده شده است.

مؤسسه گالوب هم مردم ایران را عصبانی‌ترین جمعیت جهان نامیده و بر اساس برخی از گزارش‌ها ایران رتبه اول خشونت اجتماعی در دنیا را دارد.

شاید خشونتی که پشت درهای بسته خانه‌ها علیه اعضای ضعیف‌تر، وابسته‌تر یا متفاوت‌تر خانواده رخ می‌دهد هم دنباله همین خشونت و درگیری در خیابان‌های شهر باشد. خشونتی جاری و مستمر زیر پوست شهر که اگرچه در سال‌های گذشته بیشتر درباره آن صحبت شده اما هنوز نقشه، طرح و برنامه‌ای برای تغییر آن در کار نیست.

جایی برای رفتن، پناهی خارج از خانه

خشونت‌های خانگی در ایران در سال‌های گذشته چنان روند رو به رشدی را نشان داده‌اند که به گفته رییس اورژانس اجتماعی کشور این روزها دیگر در شهرهای کوچک با جمعیت زیر ۰۵ هزار نفر هم ضرورت راه‌اندازی اورژانس اجتماعی حس می‌شود.

حدود ۹۱ سال است که اورژانس اجتماعی کشور با هدف پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و کمک به حل آسیب‌های موجود راه‌اندازی شده اما به **گفته** مسئولان این نهاد، هنوز ۰۷ درصد مردم از خدمات اورژانس اجتماعی کشور خبر ندارند.

همزمان خانه‌های امن مرتبط با مراکز اورژانس اجتماعی هم در بعضی شهرها راه‌اندازی شده است؛ ۲۲ خانه امنی که برای مثال در سال گذشته هزار و ۰۰۶ زن و کودک آسیب‌دیده از خشونت‌های خانگی را **پناه داده‌اند**. عددی که البته در برابر حجم خشونت خانگی موجود در خانواده‌های ایرانی، بسیار اندک است.

گسترش خانه‌های امن اما از جمله راه‌کارهایی است که می‌تواند در کاهش خشونت خانگی در ایران نقش داشته باشد. در بسیاری از موارد قربانی خشونت خانگی جایی و پناهی برای گریختن ندارد. در بسیاری از موارد همسرکشی/زن‌کشی وقتی صورت گرفته که زن بارها و بارها پیش از آن مورد آزار فیزیکی همسر خود قرار گرفته اما راه به جایی نداشته است.

بیشتر بخوانید:

[«قتل ناموسی»، خشن‌ترین شکل خشونت خانگی \(بخش اول\)](#)

[چرا قتل‌های ناموسی در قلب کشورهای توسعه یافته هم رخ می‌دهند؟](#)

[خشونت ناموسی، خشونت خانگی قانونی در ایران \(بخش اول\)](#)

آنچه از گزارش‌های بین‌المللی و مطالعات سازمان ملل متحد برمی‌آید این است که نه یک یا دو عامل، بلکه مجموعه‌ای از عوامل متعدد و متنوع در حل بحران خشونت خانگی و همسرکشی مؤثرند.

اینجاست که برای امن شدن خانه‌ها، هم همکاری پلیس و ضابط قضایی لازم است، هم همکاری نهاد قانون‌گذاری و نمایندگانی که قوانین مدنی و خانواده را رقم می‌زنند و هم نهادهای مدنی و اجتماعی و بهداشتی و فرهنگی-آموزشی که می‌توانند مددکار زنان آسیب‌دیده و حتا مردان خشونت‌گر باشند.

گزارش سال ۸۱۰۲ سازمان ملل از قتل‌های جنسیت‌محور در خانواده‌ها نشان می‌دهد بدون درگیر کردن مردان در فرآیند خشونت‌زدایی از خانه‌ها و همچنین بدون توجه به آگاه‌سازی و آموزش آنها، نمی‌توان تغییر چندانی در وضعیت خشونت در خانه‌ها ایجاد کرد.

ای بسا بدون آگاه‌سازی زنان درباره آنچه تحت عنوان خشونت در خانه‌ها تحمل می‌کنند هم نتوان خانه را به جایی امن‌تر برای آنان بدل

کرد.

تغییر ویژگی‌هایی مثل سلطه‌پذیری، وابستگی اقتصادی و دیدگاه‌های مردسالار که در باورهای بسیاری از زنان هم بازتولید می‌شود، از جمله راه‌کارهایی است که شاید بتواند زندگی زنان را تغییر دهد و خانه را از ناامن‌ترین جای جهان برای آنان، به کانون امن زندگیشان بدل کند.